



بهار ۱۳۹۱



سال هشتم  
دوره جدید، شماره ۳



ISSN: 1735-4285

خبرنامه انجمن کتابداری و اطلاع رسانی ایران

# کتابداری یا ...؟؟





# خبرنامه انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران



سال هشتم، دوره جدید، شماره ۳  
شماره پیاپی ۳۸  
بهار ۱۳۹۱

- ۲ **نخبگان و رویکرد محافظه کارانه در تغییر نام رشته**  
سعید اسدی
- ۴ **به کتابخانه می‌روم، اگر این چنین باشد**  
امیررضا اصنافی
- ۶ **ارمغانی به نام «منزلت اجتماعی»**  
یزدان منصوریان
- ۱۰ **علم اطلاعات یا علوم و فناوری اطلاعات**  
سعید اسدی
- ۱۳ **پریا هم کتابداری بخواند؟**  
امیرحسین رجب‌زاده عصارها
- ۱۵ **آرشیوسازی پیامک‌ها در عصر الکترونیک: نقش استانداردهای آرشیوی**  
امیررضا اصنافی
- ۱۷ **اخبار انجمن برای خبرنامه**

ناشر: کمیته انتشارات انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران  
زیر نظر: دکتر سعید اسدی  
مدیر داخلی: امیرحسین رجب‌زاده عصارها  
گرافیک و صفحه‌آرایی: دلنشین دانایی‌مقدم، یوسف سلیم‌پور

نشانی دفتر انجمن: تهران، بزرگراه شهید حقانی، بلوار کتابخانه ملی، سازمان استاد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
صندوق پستی: ۴۵۹۷-۱۱۳۶۵  
شماره تماس: ۸۱۶۲۲۹۸۴  
سایت انجمن: [www.ilisa.ir](http://www.ilisa.ir)  
شاپا: ۱۷۳۵-۴۲۸۵

خبرنامه پذیرای خبرها، گزارش‌ها، مصاحبه‌ها و نوشته‌های خواندنی شماست. مطالب خود را به صورت تایپ شده به نشانی [amir.assarha@gmail.com](mailto:amir.assarha@gmail.com) بفرستید.  
در استناد دهی لطفاً شیوه کتاب «آیین نگارش علمی» دکتر عباس حری را به کار ببرید.  
اگر طرح، عکس، کاریکاتور یا هر تصویر متناسب با مطلب خود دارید لطفاً برای ما هم ارسال کنید.  
همراه با مطلب، نام و نام خانوادگی پدیدآورندگان، درجه علمی یا پست سازمانی، نشانی پست الکترونیکی و شماره تماس خود را نیز برای ما بنویسید.  
مطالب ارسالی شما، چه برای چاپ قبول شود چه رد، نزد ما به یادگار می‌ماند!



## نخبگان

### و رویکرد محافظه کارانه در تغییر نام رشته

■ دکتر سعید اسدی<sup>۱</sup>

این رشته کند. این مسأله و در کنار آن عرق حرفه‌ای و سخت کوشی چهره‌های بزرگ رشته باعث می‌شد تا دیدگاه‌های آنان با دقت مضاعف مورد توجه جامعه کتابداران قرار گیرد. در سال‌های اخیر و با بزرگ شدن بدنه جامعه کتابداران ایران، فعالیت‌های محققانه و آکادمیک رشته نیز رشد زیادی یافته است و به دنبال آن، پژوهشگران و دانشگاهیان جوان بیش‌تری در این بافت رشد و نمو یافته‌اند. اینان مباحث علمی و پژوهشی و رویکردهای جدیدتری را به حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی کشور وارد کرده‌اند اما به نظر می‌رسد از نظر تأثیرگذاری کلان و تعیین سمت و سوی حرکت رشته، هنوز هم گروه نخست نقش پررنگ‌تری داشته باشند.

**سه.** علی‌رغم تفاوت‌های چشم‌گیر بین دیدگاه‌های نخبگان پیش‌کسوت و نخبگان جوان در مورد نام، سرفصل‌ها، حوزه‌های مطالعاتی و رویکردهای رشته، به نظر می‌رسد این دو گروه در یک نکته اشتراک دارند و آن داشتن «رویکرد محافظه کارانه» است. البته برخی پیش‌کسوتان رشته (و نه همه آنها) این محافظه‌کاری را در مورد نام رشته دارند و بعضاً اصرار زیادی بر حفظ عنوان فعلی برای رشته دارند. یک نکته برجسته و آموزنده در مورد این گروه، جسارت ابراز نظر است؛ به‌طوری که معمولاً در فرصت‌ها و گروه‌های بحث، به بیان دیدگاه‌های خود در مورد عنوان رشته می‌پردازند. در مقابل، برخلاف آنچه که معمولاً انتظار می‌رود، به نظر می‌رسد که پژوهشگران و صاحب‌نظران جوان‌تر، روحیه محافظه کارانه‌تری در بیان دیدگاه‌های خود داشته باشند و حتی وقتی نوشته یا گفتاری از آنان در مورد تغییر نام رشته و یا نام‌های دیگر برای رشته دیده و شنیده می‌شود، برخورد با عبارتی مانند «... البته این مطالب به معنای موافقت یا مخالفت با تغییر نام رشته نیست...» امری اجتناب‌ناپذیر است.

**یک.** از میان انبوه مطالبی که طی چندین دهه حیات کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران دغدغه دانشجویان و دانش‌آموختگان این رشته بوده، دو مبحث مکمل «تغییر عنوان رشته» و «تغییر سرفصل‌های رشته» همواره جایگاه برجسته‌ای داشته‌اند. این دو مسأله و به‌ویژه اسم رشته، نه تنها ذهن تازه‌واردان به این حوزه را تا مدت‌ها به خود مشغول می‌کند بلکه احتمالاً تا پایان عمر حرفه‌ای، مسأله‌ی همراه هر کتابدار خواهد بود و هر از گاهی کتابدار را به تفکر، اظهار نظر و واکنش در مورد کیستی (نام رشته) و چیستی (محتوا و کارکردهای رشته) وادار می‌کند.

**دو.** در هر رشته علمی، عده‌ای هستند که به اصطلاح دود چراغ بیش‌تری خورده‌اند و به جایگاه برجسته‌تری در مقایسه با هم‌قطاران خود دست یافته‌اند. در کشور ما رشته‌ی نسبتاً جوان کتابداری و اطلاع‌رسانی، این امکان را داشته است تا سوابق آکادمیک و تاریخیچه رشد خود را رصد و ثبت و ضبط کند. در دهه‌های قبل و زمانی که تعداد فارغ‌التحصیلان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی کم بود، داشتن تحصیلات تکمیلی و به‌ویژه دکتری می‌توانست فرد را نامزد قرارگیری در فهرست چهره‌های مطرح

<sup>۱</sup> استادیار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شاهد

**چهار.** از پائیز سال ۱۳۹۰ بحث تغییر نام رشته از نو نقل محافل کتابداران ایرانی شد. به دلایل متعدد از جمله رقابتی شدن بازار کار برای فارغ‌التحصیلان، گسترش ظرفیت دانشگاهها و گرایش داوطلبان کنکور به رشته‌های دیگر و البته نارسا بودن عنوان «کتابداری»، انگیزه تغییر عنوان و ارائه نامی جدید و گویا برای رشته بیش‌تر شده و در ماه‌های اخیر، ده‌ها سخنرانی شفاهی، بحث اینترنتی و یادداشت در این مورد منتشر شده است. این حرکت در نهایت منجر به مطرح شدن تغییر نام رشته در گروه کتابداری شورای برنامه‌ریزی و توسعه رشته‌های دانشگاهی وزارت علوم شد و این گروه بررسی عناوین پیشنهادی برای رشته را آغاز کرده است. قطعاً موفقیت این گروه وقتی تضمین خواهد شد که دانش‌آموختگان کتابداری و اطلاع‌رسانی و به ویژه افراد صاحب‌نظر و صاحب‌قلم رشته مشارکت فعالانه‌ای در این بحث نمایند و خوراکی فکری مناسبی برای

اعضای گروه مذکور فراهم سازند.  
**پنج.** قصد داشتیم بخشی از مطالب شماره حاضر خبرنامه را به موضوع تغییر نام رشته اختصاص دهیم و به همین دلیل، از تعداد قابل توجهی از دانش‌آموختگان و فعالان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی درخواست کردیم تا نظرات خود را راجع به تغییر عنوان رشته بیان کنند. متأسفانه تعداد انگشت‌شماری حاضر به مشارکت و بیان نظر مستقیم خود در خصوص نام فعلی یا نام مناسب برای رشته شدند. این درحالی است که برخی از اینان به دفعات و در جاهای مختلف نسبت به تغییر عنوان در رشته اظهار نظر کرده‌اند. چه موافق تغییر نام و چه مخالف، حال که بحث تغییر نام رشته جدی‌تر شده لازم است همه کتابداران و به ویژه صاحب‌نظران رشته به دقت و آشکارا دیدگاه خود را در ارتباط با این تغییر و تحول اعلام کنند تا در صورت تغییر، نامی ماندگارتر برای رشته معرفی شود.

اگر هنوز عضو گروه بحث

کتابداری نیستید ...

فرصت را از دست ندهید!

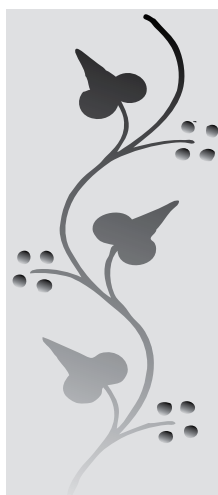
همین الان یک ایمیل به

[lis@ferdowsi.um.ac.ir](mailto:lis@ferdowsi.um.ac.ir) بزنید و درخواست عضویت

کنید.

توصیه می‌کنیم برای پیام‌های فراوان گروه بحث یک

ایمیل جدید در Gmail به ثبت برسائید.



معدل بالاست؟ آیا برای وقت گذرانی است؟ اعتمادسازی مبنی بر این که این درس و مطالبی که در آن گفته می‌شود، کاری طاقت‌فرسا و دشوار است. یک لحظه غفلت، یک کلمه نابه‌جا، یک برخورد نادرست یا تند، همه چیز را خراب می‌کند. گویی در مسابقه‌ای قرار دارید که قرار است بهترین وجهه و خوش‌ترین چهره خود را نشان دهید تا مبدا تصور شود کتابداران خشن‌اند، بد اخلاق‌اند یا کم‌اطلاع. این است که یکی دو جلسه اول، صرف این قضیه می‌شود که اساساً این دانشجویان چه دیدگاهی نسبت به کتابداران و کتابخانه‌ها دارند. بسیار پیش آمده که بیش‌تر این دانشجویان، تصویری ناخوشایند از کتابدار دارند و گاهی با طعنه می‌گویند: مگر دانشجوی کتابداری چه می‌خواند؟! این دیگر چه رشته‌ای است؟ تجربه نشان داد که در این مورد، کاملاً باید صورت بود و باید گذاشت تا این دانشجویان حرف‌های خود را و آنچه را که در ذهن دارند بگویند و خالی کنند. بعد با بردباری به تشریح نقش کتابدار و کتابخانه‌ها و بیان آنچه قرار است در طول نیم‌سال تحصیلی مطرح شود باید پرداخت. به این ترتیب، حس می‌کنید دیگر نگاه‌ها تغییر کرده است. کنجکاوی‌شان را می‌توان حس کرد. کنجکاوی نسبت به این که چه استفاده‌ای از مطالب گفته شده می‌توان کرد. پس، تصویر ذهنی‌شان نسبت به کتابدار و کتابخانه، آرام آرام در حال تغییر است. نباید به اجبار و زور، وادارشان کرد آنچه نسبت به کتابدار در ذهن پرورانده‌اند به یکباره متحول شود و آن مفهوم انتزاعی قبلی را به سرعت فراموش کنند. باید به آن‌ها فرصت داد تا اندک اندک خود را با این تغییر در مفهوم وفق دهند. آن‌گاه، نوبت به سؤال پرسیدن می‌رسد. سؤال معلم از شاگرد. برای مشارکت دادن در کلاس. برای پیوند دادن کتابدار با جامعه کوچکی مثل کلاس. حس می‌کنید این جمع کوچک سی و نهایتاً سی و پنج نفره، نماینده کل دانشجویان یا کل جامعه است. پس سعی می‌کنید مفهوم کتابداری اجتماعی یا عمومی را که استاد ارجمند، دکتر نوش‌آفرین انصاری همه‌جا از آن سخن به میان آورده و بر آن تأکید کرده، اجرایی کنید. بعد از چند جلسه که حس می‌کنم دیگر اعتماد دانشجویان به کتابدار و کتابخانه‌ها جلب شده این سؤال را می‌پرسم. «کتابخانه‌ها چگونه باشند شما راحت‌ترید؟ کتابخانه‌ها چگونه باشند حاضر هستید خود، خانواده و دوستان‌تان بیش‌تر اوقات را در آن‌جا بگذرانید؟» پاسخ‌ها کوتاه و معنی‌دارند. بخش‌هایی از پاسخ‌های این دانشجویان را به‌گزین کرده‌ام که در این‌جا به آن‌ها اشاره می‌کنم:

- ای کاش در آموزشگاه‌ها و سرای محله‌ها، از کتابداران متخصص استفاده شود.

- اگر کارت عضویت کتابخانه‌های عمومی شبکه‌ای می‌شد خیلی خوب بود. دیگر مجبور نبودیم برای تمدید یا پس دادن کتاب، راه دوری را تا کتابخانه‌ای که عضو آن هستیم برویم. از هر جا می‌شد کتاب امانت

## به کتابخانه می‌روم، اگر این چنین باشد...

■ دکتر امیررضا اصنافی<sup>۱</sup>

نزدیک به چهار سال است که درس آشنایی با کتابخانه و اصول کتابداری را برای دانشجویان رشته علوم تربیتی در یکی از دانشگاه‌های کشور ارائه می‌کنم. حقیقت امر آن است که ارائه این درس به دانشجویان غیر کتابداری، لذتی مضاعف داشته و دارد. چون تمام تلاشم در این است که بخشی از جامعه را که با بدنه و ماهیت کتابداری و بعضاً کتابخانه‌ها آشنایی چندانی ندارند آشنا کنم و «چهره» واقعی کتابداران را به آن‌ها نشان دهم. منظورم از چهره واقعی نشان دادن چهره‌ای از کتابداران است که شاید مراجعان هرگز نبینند و ندانند که «او» چه می‌کند. اکثر مراجعان کتابخانه‌ها و دانشجویان غیر رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، از کتابدار تنها یک فرد امانت‌دهنده کتاب را می‌بینند، فردی که گاهی سرحال و خوش‌اخلاق است و گاهی هم لطافت کمتری دارد. به هر تقدیر، این درس موقعیتی را برای من کتابدار، فراهم ساخت تا از همه توان برای نشان دادن نقش‌های مختلف کتابدار و کتابخانه‌های گوناگون به دانشجویان غیر کتابدار، استفاده کنم. در جلسه اول، در نگاه دانشجویان، نوعی بی‌اعتمادی موج می‌زند. گویی با چشمان خود و با ایما و اشاره، بیان می‌کنند این چه درسی است که برای ما گذاشته‌اند؟ آیا برای کسب

۱ عضو هیات علمی گروه کتابداری دانشگاه شهید بهشتی، مسئول کمیته همایش‌های انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران aasnafi@gmail.com

گرفت، تمديد کرد يا پس داد.

- بهتر است کتابدار يک کتابخانه عمومي در منطقه‌هاي مختلف، با فرهنگ، ارزش‌ها و سنت‌هاي آن منطقه آشنا باشد. اين امر روي نحوه خدمات‌رسانی و طرز برخورد او بسيار اثرگذار است.

- چرا جمعه‌ها کتابخانه‌ها تعطيل اند؟ يک روز تعطيل را دوست داريم در کتابخانه سپري کنيم. ولي چون جمعه‌ها کتابخانه‌هاي عمومي، تعطيل هستند وقت خود را بي‌جهت هدر مي‌دهيم.

- کم‌بينايان و نابينايان مورد بي‌مهری قرار گرفته‌اند. کم‌تر به اين اقبال در کتابخانه‌هاي عمومي توجه شده و منابع بريل يا صوتي مورد نیازشان تدارک ديده شده است.

- به کاربران آموزش دهند به صورت صحيح از کتابخانه، استفاده کنند. فرهنگ بهره‌گيري از کتابخانه را به آن‌ها آموزش دهند. به عنوان مثال، کاربرهاي ديده شده‌اند که با تيغ موکت بري مطالب خود را از کتاب‌ها و مجلات استخراج مي‌کنند. يا اين که داخل کتاب‌ها و مجلات علامت مي‌زنند يا خط مي‌کشند، که اين امر منجر به کهنگی سريع کتاب مي‌شود.

- رفتار برخي کتابداران بايد مناسب باشد. پوشيدن کفش‌هاي پاشنه‌بلند که سروصدا ايجاد مي‌کند، حضور کتابداران آقا در بخش مطالعه خانم‌ها، برخورد‌هاي تند با دانش‌آموزان، و موارد مشابه، باعث گريزان شدن افراد از کتابخانه‌ها مي‌شود.

- چرا ميز و صندلي‌ها نامناسب و غير استاندارد است؟ اين ميز و صندلي‌هاي چوبي، موجبات عدم تمرکز و ناراحتي را فراهم مي‌کند. بهتر است ميزهاي وجود داشته باشد که بين افراد را با ديواره کوتاه جدا کند تا تمرکز و آرامش فرد براي مطالعه بيش‌تر باشد.

- سيستم‌هاي گرمایشی و سرمايشی کتابخانه، اولاً بايد مناسب کار کند و به علاوه، عاری از هرگونه سروصدا باشد.

- بهتر است کتاب‌هاي مرجع را در قالب لوح فشرده يا به صورت اسکن شده ارائه کنند که امکان بهره‌گيري افراد بيش‌تري از اين منابع فراهم باشد. چون در کتابخانه‌ها، نمی‌توان منابع مرجع را امانت گرفت.

- کتابخانه‌ها براي خدمات خود يا منابع جديد، به تبليغات نمی‌پردازند. خیلی از افراد از خدمات کتابخانه‌ها آگاه نیستند.

- تا به حال پاييم را در کتابخانه نگذاشته‌ام.

- ساختمان کتابخانه بايد شيک، تميز، استاندارد و با تجهيزات مناسب باشد و مراجعه‌کنندگان را به سوی خود بکشاند تا در آنجا احساس راحتی کنند.

اين پاسخ‌ها هرچند از طرف دسته‌اي کوچک و محدود از دانشجویان است، اما می‌تواند بازمونوی از انتظارات جامعه از کتابداران و کتابخانه‌ها باشد. انتظاراتی که کم‌تر به آن‌ها توجه شده است و اندک کتابداران

متخصص و با وجدانی بوده‌اند که به اصول حرفه‌ای رشته خود عمل نموده و کاری کرده‌اند مراجعان راضی و خشنود از کتابخانه خارج شوند. تأمل و دقت در پاسخ‌هاي اين دانشجویان نشان می‌دهد که ما کتابداران آن‌طور که بايد و آن‌طور که شايسته است، مراجعه‌کنندگان خود را جدی نگرفته‌ايم و نتوانسته‌ايم پیوند عمیق و نزدیکی را با آنها برقرار کنيم. گویی فراموش کرده‌ايم که نبايد خود را در چارچوب ديوارى کتابخانه و قفسه‌هاي تو در تو محبوس کنيم و بايد به استقبال مراجعان برويم. هرچايی که باشند. قرار نیست حتماً کتابخانه محل استقرار ما باشد. هر مکانی که امکان ارائه منابع اطلاعاتی و راهنمایی کاربران هست، می‌تواند يک کتابخانه باشد. گم شدن در کارهاي يک‌نواخت و روزمره، تأکید بيش از حد بر خدمات فنی تا خدمات عمومي و ضعف‌ها و چالش‌هاي مدیریتی و بعضاً امنیت شغلی، سبب شده بخش عظیمی از جامعه از کتابخانه‌ها روي گردان شوند. بخشی نیز يا از روی اجبار و ناچاری مثلاً برای کنکور يا آزمون‌هاي پايان ترم به کتابخانه‌ها مراجعه می‌کنند و بخش اندکی هم مراجعان واقعی و خودجوش کتابخانه‌ها محسوب می‌شوند. البته اين تفاسير، به معنای لا کتاب بودن ایرانیان و از کتابخانه گريزان بودن آن‌ها نیست. کم‌توجهی به ذائقه مراجعه‌کنندگان ایرانی و نشکستن الگوهاي سنتی بهره‌گيري از کتابخانه می‌تواند از دلایل اين روی گردانی باشد. از سوی ديگر، قرار هم نیست جامعه کتابداران هم تعظنه شوند. اين قشر فرهیخته زحمت‌کش، طبيعتاً مشکلات خاص خود را دارند که خلط مشکلات با محیط کار، می‌تواند برای هردو گروه کتابداران و مراجعه‌کنندگان مسأله‌ساز شود. نکته اساسی دريافت و اداراک پيامی است که از سوی مراجعه‌کنندگان بالقوه و بالفعل کتابخانه‌ها دريافت می‌شود. اين پيام‌ها گاهی مستقیماً به کتابداران گفته می‌شود و گاهی هم غيرمستقیم. شکل غيرمستقیم آن مراجعه کم‌تر به کتابخانه‌هاست. هم کتابداران و هم مدیران کتابدار يا غير کتابدار کتابخانه‌ها بايد بدانند که کتابخانه‌ها اثرگذاري فرهنگی کم‌نظیری بر جامعه، دارند و به قول زنده ياد هوشنگ ابرامی، از اساتيد برجسته کتابداری و اطلاع‌رسانی، کتابخانه‌ها نهادی اجتماعی هستند که حیات آن‌ها موجب بقای جامعه و از بين رفتن آن‌ها موجب نابودی جامعه است. يادمان باشد اثربخشی کتابخانه‌ها و اجتماع دو گانه و دو طرفه است. يادمان باشد بايد کتابداری باشيم که هم چون ابر بارانی بخشنده است و اگر چنین باشيم، مراجعان خود را به کتابخانه خواهيم کشاند و خود نیز به متن اجتماع می‌رويم تا به قول استاد نوش‌آفرین انصاری، به تحقق کتابداری عمومي و کتابداری اجتماعی را کمک کنيم.



جامعه با این حرفه شکایت دارند و خواستار تغییر عنوان آن هستند. در مقابل نیز گروهی به درستی معتقدند که این تغییر عنوان تا با بازنگری و تحول در محتوای آموزشی این رشته و عملکرد دانش‌آموختگان آن همراه نباشد، اثری نخواهد داشت. جالب است که هم استدلال موافقان این بحث منطقی به نظر می‌رسد و هم دیدگاه مخالفان آن. چرا که اساساً هر دو طرف موافق و مخالف این پیشنهاد به یک اندازه حق دارند و به یک اندازه درست می‌گویند. اما این یادداشت با هدف موافقت یا مخالفت با هیچ یک از این دو گروه نوشته نشده است و اساساً قصد ورود به این بحث را ندارد. فقط از هر دو طیف موافق و مخالف تغییر عنوان رشته دعوت می‌کند که این یادداشت را تا انتها بخوانند و در پایان خود نتیجه‌گیری کنند.

## ارمغانی به نام «منزلت اجتماعی»

### مروری بر انگیزه‌های تغییر عنوان رشته

ابتدا باید دید چرا در میان همه‌ی رشته‌ها فعلاً ما کتابداران خواهان تغییر عنوان رشته‌ی خود هستیم. شاید هم در رشته‌های دیگر نیز چنین درخواستی مطرح است، اما ما از آن بی‌خبریم. احتمالاً انگیزه تغییر عنوان رشته از زمانی شکل گرفته است که کتابداران و متخصصان اطلاع‌رسانی درباره «منزلت اجتماعی» خود دچار تردید شدند. شاید آنان احساس می‌کنند جایگاه اجتماعی آنان با رسالت و نقشی که دارند و وظیفه دشواری که بر عهده گرفته‌اند هم‌خوانی ندارد. به سخنی دیگر به آنان آن‌گونه که شایسته است بها داده نشده است و کسی قدرشان را نمیداند. موضوع منزلت اجتماعی بحث مفصلی است که در جامعه‌شناسی به آن پرداخته شده و تاکنون تحقیقات فراوانی درباره آن انجام شده است. در کتابداری نیز قبلاً آثاری در این زمینه منتشر شده است. مثلاً حیدری نژاد (۱۳۸۹) با اشاره به دلایل منزلت اجتماعی پزشکان در طول تاریخ نتیجه می‌گیرد که راز منزلت آنان «خدمتی» است که صاحبان این حرفه در همه جوامع انسانی به هم‌نوعان خود ارائه می‌کنند. آنان با مرهم گذاشتن بر زخم بیماران و کاهش آلام آنان منزلتی یافته‌اند که گذر زمان و پیشرفت‌های بشر نه تنها خللی به آن وارد نکرده، بلکه بر آن افزوده است. وی در پایان نتیجه می‌گیرد که: «در این میان کتابداران و اطلاع‌رسانان نیز مانند هر قشر و گروهی که در جوامع جدید حاضر و نقش دارند برای کسب پایگاه و منزلت اجتماعی در جهان جدید باید به خدمت‌گرا بودن انسان معاصر توجه عمیق‌تر و دقیق‌تر داشته باشند، و لایه‌های ذهنی جامعه را به خوبی بکاوند و قیده‌های خدمت را لحاظ کنند».

منابع انگلیسی فراوانی نیز در این زمینه منتشر شده است. کریستیانسن و دیگران (۲۰۰۴) با مرور آثار موجود در این زمینه به موضوع منزلت اجتماعی کتابداران در محیط‌های دانشگاهی پرداختند و دیدگاه کتابداران دانشگاهی و اساتید دانشگاه را در این حوزه بررسی کردند.

■ دکتر یزدان منصوریان<sup>۱</sup>

### مقدمه

مدتی است که در محافل کتابداری و اطلاع‌رسانی بحث تغییر عنوان این رشته دوباره رونق گرفته است. تغییر عنوان این رشته مسئله‌های چند وجهی است که پرداختن به آن با طرح پرسش‌های بنیادی، و البته دشوار همراه است. پرسش‌هایی بنیادی‌تر از انتخاب بهترین جایگزین برای عنوان فعلی رشته. پرسش‌هایی نظیر این که چرا گروهی از دانشجویان و دانش‌آموختگان کتابداری و اطلاع‌رسانی، که از قضا تعدادشان نیز کم نیست، خواستار این تغییر هستند؟ در عنوان فعلی چه کاستی و نقصی وجود دارد که این تغییر را ضروری می‌سازد؟ اگر این عنوان خیلی خوش‌آهنگ به نظرشان نمی‌رسد، چرا دانشجویان رشته‌های دیگر نظیر «حسابداری» که هم‌آهنگ با «کتابداری» است به فکر تغییر عنوان رشته خود نیستند؟ آیا مشکل در محتوای درسی است؟ چه عنوانی می‌تواند جایگزین مناسبی برای نام فعلی باشد؟

این چند پرسش نمونه‌هایی از سئوالاتی است که در این زمینه مطرح است اما اغلب آن‌ها پاسخی ساده و روشن ندارند. از یک سو گروهی از دانشجویان و دانش‌آموختگان کتابداری و اطلاع‌رسانی از عدم آشنایی

۱ عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران  
mansourian@tmu.ac.ir



آنان در بررسی خود دریافتند که بیشتر کتابداران نگران موقعیت اجتماعی خود هستند و از دیدگاهی متفاوت با اعضاء هیئت علمی به این موضوع می‌نگرند. در حالی که اعضاء هیئت علمی معتقدند در عین حالی که آنان همکاری یکدیگرند، اما از آن‌جا که نقش‌های متفاوتی در محیط دانشگاهی برعهده دارند، موقعیت اجتماعی متفاوتی خواهند داشت. چرا که موقعیت هر گروه بر اساس همین تفاوت در نقش و مسئولیت تعریف می‌شود.

این نگرانی کتابداران که ناشی از کم‌توجهی اعضاء هیئت علمی به نقش آموزشی و پژوهشی آنان است، در مطالعاتی دیگر به نحوی مستند منعکس شده است. مثلاً استیل (۱۹۹۸) به بررسی مقالات ۲۹ مجله آموزشی در رشته‌های مختلف علمی پرداخت تا میزان انعکاس آثاری را که به نحوی خوانندگان خود را به استفاده از کتابخانه و منابع کتابخانه‌ای تشویق می‌کنند، مشخص سازد. نتیجه این بود که از میان ۱۳۰۱۶ مقاله منتشر شده در این مجلات فقط ۵۳ استاد به آثار مرتبط در این زمینه یافت شد. به سخنی دیگر نویسندگان مقالات آموزشی در این مجلات کمترین توجه را به کتابخانه و منابع کتابخانه‌ای داشته‌اند در حالی که آنان به اهمیت مهارت‌های دانشجویان در استفاده مؤثر از منابع کتابخانه‌ای واقف هستند. اما این موضوع در آثار آنان انعکاس کافی نداشته است. به همین دلیل گاهی کتابداران تصمیم گرفته خود وارد عمل شوند و با تکیه بر وجه آموزشی کتابداری و اطلاع‌رسانی به آموزش کاربران بپردازند. به این ترتیب آنان نقش‌های تازه‌ای برای خود تعریف نموده‌اند. مثلاً جولین و پیکوسکی (۲۰۰۹) به نقش آموزشی کتابداران دانشگاهی در تعدادی از دانشگاه‌های کانادا پرداختند و دیدگاه‌های کتابداران را در این زمینه بررسی کردند.

در مجموع مرور مقالات موجود نشان می‌دهد که گویا منزلت اجتماعی و مفاهیم مرتبط با آن برای کتابداران کشورهای مختلف مطرح بوده و مطالعاتی در این زمینه منتشر شده است.

### منزلت اجتماعی و مفاهیم مرتبط با آن در جامعه‌شناسی

مفهوم منزلت اجتماعی یک موضوع جامعه‌شناختی است و به همین دلیل شاید مروری بر معنی آن و چند مفهوم مرتبط دیگر در متون جامعه‌شناسی به روشن شدن این بحث کمک کند:

۱. منزلت اجتماعی (Social Status): در کتاب‌های جامعه‌شناسی منظور از منزلت اجتماعی جایگاهی است که یک فرد به واسطه موقعیت شغلی، میزان تحصیلات، استطاعت مالی، یا هر ویژگی اجتماعی دیگر به دست می‌آورد. در یک تقسیم‌بندی کلی این منزلت می‌تواند انتسابی یا اکتسابی باشد. «منزلت اجتماعی انتسابی» منزلتی است که فرد برای به دست آوردن آن تلاش نکرده است و به واسطه جنسیت، نژاد یا تولد در یک خانواده ثروتمند یا قدرتمند به او به ارث رسیده است. مثلاً جایگاه

اجتماعی یک شاهزاده مثالی از یک منزلت انتسابی است. اما در مقابل «منزلت اجتماعی اکتسابی» حاصل تلاش و کوشش صاحبان آن است. مثلاً کسانی که به دلیل برخورداری از تحصیلات بالا شایسته‌ی احراز جایگاه اجتماعی بالایی شده‌اند در واقع از مزایای یک منزلت اکتسابی برخوردارند.

۲. تحرک اجتماعی (Social Mobility): تحرک اجتماعی به معنای امکان تغییر منزلت اجتماعی افراد در طول زمان است که خود شامل تحرک عمودی و تحرک افقی است. تحرک عمودی به معنی حرکت روبه بالا یا پایین در سلسله مراتب اجتماعی است. تفاوت وضعیت یک فرد نسبت به والدین خود نمونه‌ای از تحرک عمودی است. تحرک افقی همان تحرک فیزیکی و جابجایی منطقه زندگی یا محل کار است (گیدنز، ۱۳۸۶).

۳. کنش متقابل اجتماعی یا تعامل اجتماعی (Social Interaction): این کنش شامل هرگونه مراوده رسمی یا غیر رسمی میان افراد یک اجتماع است. معنای ویژه‌ای که پدیده‌ها و نشانه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی در یک جامعه با خود به همراه دارند، حاصل همین کنش و تعامل پیوسته است. کنش متقابل اجتماعی از مبانی بسیار اساسی در علم جامعه‌شناسی است و خود زیرساختی برای بسیاری از مدل‌ها و نظریه‌ها در این رشته محسوب می‌شود. ردپای آن را حتی می‌توان در روش‌های تحقیق علوم اجتماعی نیز جستجو کرد.

۴. خودپنداری (Self Identity): تصویری که هر فرد نسبت به خود، به توانایی‌ها و به قابلیت‌های خود دارد همان خودپنداری اوست. البته در سطحی دیگر این موضوع در روانشناسی مطرح است و تا کنون تحقیقات فراوانی در این زمینه و عوامل مؤثر بر آن انجام شده که اشاره به آن نیز در این مختصر نمی‌گنجد.

۵. قشربندی اجتماعی (Social Stratification): قشربندی اجتماعی بیانگر سلسله مراتب مختلف در جوامع مختلف است که می‌تواند بر اساس ویژگی‌های گوناگونی نظیر برخورداری از جنسیت، سن، توان مالی، موقعیت سیاسی و غیره ایجاد شود. گیدنز (۱۳۸۶: ۴۰۸) معتقد است که «افراد و گروه‌ها بر مبنای موقعیتی که در نظام قشربندی دارند دسترسی متفاوت و نابرابری به پاداش‌ها و مواهب موجود در جامعه دارند.»

۶. کارکردگرایی (Functionalism): کارکردگرایی هم مکتبی در فلسفه ذهن است و هم رویکردی در جامعه‌شناسی. در جامعه‌شناسی به شکل‌های کم‌وبیش مشابهی تعریف شده است. گیدنز (۱۳۸۶: ۲۵۴) بر این باور است که «دیدگاه کارکردگرا جامعه را همچون مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی می‌بیند که کارکردهای معینی برای تضمین تداوم و وفاق جامعه دارند.»



از آن که ملموس، آشکار و قابل اندازه‌گیری باشد، ناملموس، پنهان و غیرقابل اندازه‌گیری کمی است. مثلاً وقتی آمارها از رشد بی‌سابقه‌ی علمی در کشور خبر می‌دهد، آیا میتوان نقش کتابداران را در این رشد نادیده گرفت؟ آیا می‌توان گفت محققانی که این مقالات را در سال‌های اخیر نوشته‌اند از خدمات حضوری و غیر حضوری کتابخانه‌ها بی‌نیاز بوده‌اند؟ اما چگونه می‌توان ردپای خدمات آنان را در این تولیدات علمی مشخص کرد؟ چگونه می‌توان این عملکرد را به آمار و ارقامی تبدیل نمود که بیان‌گر اهمیت این خدمات باشد.

به همین دلیل به نظر می‌رسد نقش پنهان کتابداران بسیار بزرگ‌تر از نقش آشکار آنان باشد. مثلاً هر ساله دانشگاه‌ها با افتخار آمار مربوط به تعداد آثار منتشر شده توسط اعضاء هیئت علمی خود را منتشر می‌کنند. اما مشخص نیست که سهم کتابداران آن دانشگاه در این تولید چه بوده است. چرا که نمی‌توان به سادگی این سهم را مشخص ساخت. این سهم در واقع بخشی از آن عملکرد پنهان آنان است. مثلاً نمی‌توان گفت که اگر در فرایند تولید این آثار امکان دسترسی به منابع چاپی و الکترونیکی کتابخانه فراهم نبود، آیا باز هم همین نتیجه به دست می‌آمد. یا بر عکس اگر کتابخانه دانشگاه فعال‌تر از این بود میزان تولید علمی آن دانشگاه با چه رشدی همراه بود. پاسخ دقیق این دو پرسش بسیار دشوار است. فقط می‌توان گفت که بین این دو رابطه‌ای مستقیم وجود دارد هر چند

حال باید دید وضعیت فعلی ما کتابداران و متخصصان اطلاع‌رسانی بر اساس این مفاهیم چگونه است و هر یک از ما تاکنون در شکل‌گیری این مفاهیم چه نقشی داشته‌ایم و چه نقشی می‌توانیم داشته باشیم.

### عوامل مؤثر بر منزلت اجتماعی کتابداران

بدیهی است که منزلت اجتماعی ما کتابداران نمی‌تواند انتسابی باشد و ناگزیریم برای رسیدن به منزلتی اکتسابی تلاش کنیم. از دیدگاه کارکردگرایی نیز این منزلت محصول وظیفه و نقشی است که بر عهده داریم. از یک سو ضرورت این نقش اهمیت آن را نشان می‌دهد و از سوی دیگر توانایی ما در چگونگی ایفای آن. رسالت اصلی ما حفظ میراث مکتوب بشری همراه با شناسایی، گزینش، سازماندهی و اشاعه اطلاعات است. وظیفه ما پاسخ‌گویی به نیازهای اطلاعاتی افراد و فراهم آوردن امکان رشد فکری و فرهنگی آنان است. کتابداران نسبت به گسترش فرهنگ مطالعه در جامعه مسئول‌اند و باید همچون مشاورانی توانمند کاربران را به سمت بهترین منابع اطلاعاتی هدایت کنند و چگونگی استفاده بهینه از این منابع را به آنان آموزش دهند. حال باید دید چگونه می‌توان این نقش را بهتر از گذشته ایفا کرد و تاکنون دستاوردهای پیدا و پنهان ما چه اندازه بوده است.

البته به نظر می‌رسد دستاوردهای علمی و فرهنگی کتابداران بیش

## منابع

حیدری نژاد، جلال (۱۳۸۹). «خدمت مولفه برتر پایگاه و منزلت اجتماعی». مجله الکترونیکی عطف. شماره ۲، برخط. <http://www2.atfmag.info/1389/02/31/social-prestige> (آخرین دسترسی: ۲ اسفند ۱۳۸۹)  
گیدنر، آنتونی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.

Christiansen, L. Stomblor, M., Thaxton L. (2004) A Report on Librarian-Faculty Relations from a Sociological Perspective, The Journal of Academic Librarianship, Vol. 30, No. 2, PP. 116-121.

Julien, H. and Pecoskie, J. (2009) Librarians' experiences of the teaching role: Grounded in campus relationships, Library & Information Science Research, Vol. 31, No. 3, PP. 149-154.

Still, J. (1998) The role and image of the library and librarians in discipline-specific pedagogical journals, The Journal of Academic Librarianship, Vol. 24, No. 3, PP. 225-231.

نمی‌توان به سادگی معنادار بودن این رابطه را از نظر آماری به اثبات رساند. اما در وجود آن تردیدی نیست. چرا که همه محققان و پژوهشگران به خوبی می‌دانند که در فرآیند تحقیق در هر رشته‌ای امکانات کافی برای دسترسی سریع و آسان به منابع اطلاعاتی چه اهمیتی دارد و کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی اصلی‌ترین منبع فراهم‌کننده این دسترسی هستند. نکته دیگر درباره خودپنداری ما کتابداران است. اگر هر یک از ما به عنوان یک کتابدار، دانشجوی این رشته، دانش‌آموخته آن یا مدرس کتابداری بتوانیم با ارائه خدمتی مناسب حس مفید بودن در خود ایجاد کنیم، این حس به تدریج بر خودپنداری ما تاثیر می‌گذارد و منزلت اجتماعی بالاتری خواهیم داشت. اما اگر در مقابل به جای آن که در این زمینه تلاش کنیم، فقط منتظر جامعه باشیم تا منزلت بالاتری برای ما قائل باشد، انتظار بیهوده‌ای خواهد بود. در واقع پاسخ جامعه به عملکرد ما بستگی دارد. اگر این عملکرد سازنده و مثبت باشد، آن‌گاه پاسخی شایسته و در خود توجه خواهد بود.

ضمناً فراموش نکنیم رشته‌های دانشگاهی و حرفه‌های فراوانی هستند که ما هم درباره آن‌ها و نقشی که دارند اطلاع دقیقی نداریم. مثلاً به نظر شما دامنه کار و فعالیت متخصصان «مرجع‌داری»، «آبخیزداری»، «آبیاری»، «زهکشی»، «علف‌های هرز» و «فیزیولوژی پس از برداشت» که مثال‌هایی از رشته‌های منابع طبیعی و کشاورزی هستند تا چه اندازه برای عموم مردم شناخته شده‌اند؟ به عنوان همایش‌های مختلفی که در کشور برگزار می‌شود دقت کنید، خواهید دید متخصصان فراوانی در رشته‌هایی تلاش می‌کنند که ما عملاً هیچ اطلاعی از دامنه فعالیت آنان نداریم. فهرستی از این همایش‌ها در سایتی با عنوان «مرجع همایش‌های داخلی و خارجی» به نشانی <http://www.iranconferences.ir> وجود دارد. نگاهی گذرا به عنوان این همایش‌ها نشان از گستردگی فعالیت‌های علمی دارد که ممکن است بسیاری از آن‌ها برای عموم مردم ناآشنا باشد. مثال‌هایی از آن عبارت‌اند از: «یازدهمین سمینار سراسری آبیاری و کاهش تبخیر»، «نخستین همایش ملی جلبک‌شناسی ایران»، «اولین همایش بین‌المللی مایکوتوکسین‌ها در خشکبار و میوه‌های خشک»

## سخن پایانی

در پایان دوباره بر این نکته تاکید می‌کنم که هدف این یادداشت موافقت یا مخالف با پیشنهاد تغییر عنوان رشته نیست و فقط تلاشی است برای تبیین جامعه‌شناختی این موضوع. حال به نظر شما چه وجه دیگری در این زمینه مطرح است که می‌تواند پاسخی منطقی به موضوع تغییر عنوان رشته باشد و در نهایت بتواند گامی در جهت اعتلای حرفه و رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی محسوب شود؟





# علم اطلاعات یا علوم و فناوری اطلاعات

و نظایر آن‌ها هستند و این‌ها همان منابعی هستند که تا کنون کتابداران و اطلاع‌رسانان به گردآوری، سازماندهی و اشاعه‌ی آن‌ها پرداخته‌اند. به اعتقاد ایشان، آن‌چه که ماهیت مطالعه و فعالیت کتابداران را تشکیل می‌دهد اطلاعات مضبوط است و به همین دلیل، عنوانی که می‌تواند ماهیت و هویت این رشته را نشان دهد «علم اطلاعات» است.

در حالی که در سال‌های اخیر عناوین متعددی برای رشته ارائه شده، عنوان «علم اطلاعات» که در این سخنرانی نیز از سوی دکتر عباس حرّی استاد با سابقه‌ی رشته‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی مورد تأکید دوباره قرار گرفت یکی از جدی‌ترین و منطقی‌ترین گزینه‌هایی است که به همین شکل و یا در ترکیب‌هایی مانند علم اطلاعات و کتابخانه، علم اطلاعات و مدیریت دانش و یا عناوین مشابه مورد اشاره و استقبال عده قابل توجهی از صاحب‌نظران و شاغلان رشته‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی قرار گرفته است. با این وجود به نظر می‌رسد که به کارگیری عنوان «علم اطلاعات» به همین شکل پیشنهادی، نقطه ضعف‌ها و چالش‌هایی پیش رو داشته باشد.

اصطلاح «علم اطلاعات» ترجمه Information science است که در ایران بیش‌تر با عنوان «اطلاع‌رسانی» شناخته شده است و به همین روی، عبارت Library and information science نیز در کشورمان با عنوان «علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی» ترجمه شده و کاربرد دارد. نقطه قوت عبارت «اطلاع‌رسانی» عمومیت یافتن آن در سطح جامعه است؛ به نحوی که تقریباً واژه‌ای عام و قابل فهم برای همه است. اما نکته‌ای که در مورد این واژه مرکب باید در نظر گرفت، تفاوت برداشت متخصصان رشته و عامه مردم از این مفهوم است. برخلاف آن‌چه که کتابداران و

■ دکتر سعید اسدی<sup>۱</sup>

در یازدهمین مجمع سالانه انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران که روز ۲۸ فروردین ۱۳۹۱ در کتابخانه ملی برگزار شد، دکتر عباس حرّی در مورد تغییر نام رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی به سخنرانی پرداخت.<sup>۲</sup> این استاد گرانقدر با تبیین رابطه داده، اطلاعات و دانش با ارائه مثال‌هایی به این نتیجه‌گیری رسید که آن‌چه که در این میان محوریت دارد/اطلاعات است و بقیه موارد، توصیفات و حالت‌هایی از اطلاعات به حساب می‌آیند.

دکتر حرّی با اشاره به انتزاعی بودن اطلاعات، بهره‌گیری و سنجش اطلاعات را مستلزم مطالعه و کنترل محمل‌هایی دانست که اطلاعات را در خود مضبوط نگه می‌دارند. وی با اشاره به وجود اطلاعات در تمام اجزاء و سیستم‌های طبیعی و ساخته بشر، توضیح داد که منظور از محمل‌های اطلاعاتی، ابزارهایی چون کتاب، مجله، پایگاه‌های اطلاعاتی

۱ عضو هیات مدیره انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی  
ایمیل: asadi.s@gmail.com

۲ لیزنا، پنجشنبه، ۳۱ فروردین ۱۳۹۱، کد خبر ۸۱۸۵

اطلاع‌رسانان انتظار دارند، اطلاع‌رسانی در بین اقشار عادی بیشتر معادل تبلیغات و به ویژه خبررسانی به کار می‌رود. به همین دلیل به نظر می‌رسد به کارگیری این واژه در برابر Information science نتواند گزینه مناسبی برای نشان دادن عنوان رشته باشد و «علم اطلاعات» گزینه بهتری است.

یکی از نکاتی که در عنوان «علم اطلاعات» می‌تواند مورد بحث قرار گیرد به کارگیری واژه «علم» در این عبارت است. هرچند واژه علم، معادل منطقی Science است اما در زبان فارسی در بسیاری از ترکیب‌ها، این واژه به صورت جمع به کار رفته است و ترکیباتی که بخشی از آن‌ها «علم» باشد در اسامی سازمان‌ها، نشریه‌ها و نیز رشته‌های تحصیلی دیده می‌شود. برای نمونه سازمان‌هایی مانند «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» و «پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران» به همین ترتیب عمل کرده‌اند؛ هرچند در ترجمه انگلیسی آن‌ها Science به کار رفته است و نه Sciences. در مورد رشته‌های تحصیلی و دانشگاهی هم استفاده از عبارت «علوم» خیلی رایج است. در حوزه‌های اصلی دانش مانند علوم انسانی و علوم اجتماعی، واژه «علوم» به درستی در حالت جمع به کار رفته است چرا که این عناوین به حوزه‌ای وسیع از علوم مختلف اشاره دارند. در مورد رشته‌های دیگری مانند علوم رفتاری، علوم اقتصادی و علوم کشاورزی نیز به دلیل گستردگی این علوم و داشتن زیرشاخه‌های مختلف، همین قاعده قابل تعمیم است.

در مقابل رشته‌های دیگر نیز هستند که عنوان «علوم» در آن‌ها به کار رفته است؛ هرچند که عنوان انگلیسی این رشته‌ها به صورت مفرد ارائه شده‌اند. از جمله این رشته‌ها می‌توان به علوم سیاسی و علوم بهداشتی (بهداشت) اشاره کرد که معمولاً در زبان انگلیسی به صورت مفرد و به ترتیب Political science و Health science نام‌گذاری می‌شوند. به کاربردن واژه «علم» در جلوی نام رشته و زبان فارسی به ندرت اتفاق می‌افتد و بیشتر به علوم قدیمی اشاره دارد؛ از جمله «علم حدیث» و «علم اخلاق». در مورد رشته‌های دانشگاهی و نوین تقریباً همه جا از عبارت «علوم» استفاده شده است.

با توجه به موارد یاد شده و نیز بر اساس روالی که برای نام‌گذاری رشته‌ها در زبان فارسی وجود دارد، به نظر می‌رسد عبارت «علم اطلاعات» به دلیل عدم مطابقت با روش نام‌گذاری نام رشته‌ها در زبان فارسی، خوانایی لازم را نداشته باشد. به همین ترتیب شاید بتوان گفت که «علوم اطلاعات» و یا حتی «علوم اطلاعاتی» عبارت‌های مناسب‌تری هستند.

این مسئله از زاویه دیگری نیز قابل توجه است و آن این است که «اطلاعات» یک اصطلاح چتری<sup>۱</sup> و متداول در رشته‌های گوناگونی است که از جنبه‌های مختلف این مفهوم را مطالعه می‌کنند. به همین دلیل

به کارگیری «علوم اطلاعات» برای این حوزه مادر چندان هم بی‌راه نیست. نکته دیگری که در عنوان «علم اطلاعات» نسبت به آن غفلت شده این است که این عنوان، تنها مطالعه مفهومی و پایه‌ای اطلاعات را به ذهن متبادر می‌کند که مواردی چون ماهیت اطلاعات، چرخه تولید و مصرف اطلاعات، اقتصاد اطلاعات و یا قوانین حاکم بر اطلاعات را می‌توان در قالب علوم اطلاعاتی مورد نظر قرار داد. این در حالی است که دانشجویان علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، در کنار یادگیری مفاهیم نظری، فنون و مهارت‌های عملی متنوعی را نیز فرا می‌گیرند که بعدها با استخدام در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، آموخته‌ها و مهارت‌های خود را در عمل به کار می‌گیرند.

چنانچه دکتر حرّی نیز در همان سخنرانی اشاره کردند علم اطلاعات به دو زیر شاخه اطلاع‌شناسی و اطلاع‌رسانی قابل تقسیم است که بخش اول به مطالعه نظری اطلاعات می‌پردازد و بخش دوم به کاربردی است این علوم و مهارت‌های دیگر در محیط‌های عملی اختصاص دارد.

حال باید پرسید که آیا عبارت «علم اطلاعات» واقعاً بازتاب‌دهنده جنبه‌های کاربردی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی است؟ با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد پاسخ این پرسش منفی باشد. به همین دلیل، باید دید چه عنوانی می‌تواند هم مبانی نظری و هم کارکردهای عملی این رشته را نمایان سازد.

برخی رشته‌های تحصیلی، ماهیتی عملی و کاربردی دارند. در مورد رشته‌های عملی، پیشنهادهایی چون فنون، مهندسی، علوم و فنون، فناوری و یا پسوندی مانند کاربردی و بالینی به کار رفته‌اند. از گروه اول برای نمونه می‌توان به رشته‌های تکنولوژی دامپروی، تکنولوژی آموزشی، علوم و فنون دریایی، فناوری نانو و فناوری اطلاعات اشاره کرد. شیمی کاربردی و روانشناسی بالینی نمونه‌هایی از گروه دوم هستند که پسوند آن‌ها به جنبه‌های عملی رشته اشاره دارد.

با توجه به نمونه‌های فوق به نظر می‌رسد ترکیب‌هایی مانند علوم و تکنولوژی اطلاعات، علوم و فنون اطلاعات و به ویژه «علوم و فناوری اطلاعات» عنوان‌های گویاتری برای رشته باشند.

فناوری اطلاعات حوزه وسیعی است که به مطالعه و کاربرد فناوری‌های نوین - که عمدتاً بر کامپیوتر و مخابرات استوار هستند - برای نگه‌داری، انتقال و بهره‌گیری از اطلاعات می‌پردازد. این عنوان امروزه یکی از فراگیرترین حوزه‌های علمی و فنی در سراسر جهان است و در حوزه‌هایی مانند خدمات اطلاع‌رسانی، ارتباطات، تجارت و بانکداری کاملاً نهادینه و کاربردی شده است. به همین ترتیب، رشته‌های متعددی در حوزه‌های اطلاع‌رسانی، تجارت، بهداشت و مانند آن ایجاد شده‌اند که در عنوان آن‌ها فناوری اطلاعات به صورت کاملاً آشکار به کار رفته است.

در ایران، پیش‌تر از این گروه‌های کامپیوتر و مدیریت دانشگاه‌ها، با



انجمن در ابتدا عنوان علم اطلاعات را یدک می‌کشید (ASIS) ولی در سال‌های اخیر و با افزایش نفوذ و آمیخته شدن فناوری اطلاعات در فعالیت‌های اطلاع‌رسانی، نام خود را به علوم و فناوری اطلاعات و یا به اختصار ASIS&T تغییر داد و عنوان نشریه پژوهشی معروف آن نیز از JASIS به JASIST تغییر یافت. این روند تغییر می‌تواند الگویی برای تغییر در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و گرایش به «علوم و فناوری اطلاعات» به حساب آید.

به هر حال با توجه به ماهیت مبانی نظری و مهارت‌های عملی مورد انتظار از فارغ‌التحصیلان کتابداری و اطلاع‌رسانی، اولاً انتخاب نامی نو و متناسب با نیازهای روز ضروری به نظر می‌رسد. دوم این که «علوم و فناوری اطلاعات» به عنوان یک پیشنهاد، عنوانی گویا و معنادار برای رشته به‌شمار می‌رود.

نکته آخر این که در هر صورت با انتخاب یک نام جدید لازم خواهد بود تا سرفصل‌های رشته به گونه‌ای مورد بازنگری قرار گیرد که ضمن حفظ پیوند با هویت اصلی رشته، افق‌های جدیدی در مهارت‌ها و بازار کار فارغ‌التحصیلان رشته گشوده شود.

تأسیس رشته مهندسی فناوری اطلاعات (علوم کامپیوتر سابق) و مدیریت فناوری اطلاعات عبارت فناوری اطلاعات را به کار برده‌اند و ممکن است ارتباط آن با رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی مورد تشکیک قرار گیرد. اما در پاسخ باید گفت که فناوری اطلاعات یک حوزه مطالعاتی مادر و میان‌رشته‌ای است و ایجاد رشته‌هایی در پیوند با این حوزه امری ممکن است و همان‌گونه که پیش‌تر اتفاق افتاده و در آینده نیز رشته‌های جدید مبتنی بر فناوری اطلاعات ایجاد خواهد شد. در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، با ترکیب سرفصل‌های دروس کتابداری پزشکی، مدارک پزشکی و مدیریت، رشته‌ای با عنوان «مدیریت فناوری اطلاعات سلامت» تأسیس شد که بر نقش فناوری اطلاعات در رشته‌های مذکور تأکید می‌کند. از سوی دیگر، علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی از رشته‌هایی است که پیوندهای محکمی با فناوری اطلاعات دارد و چنانچه قرار باشد رشته‌های تحصیلی بر اساس دوری و نزدیکی‌شان به فناوری اطلاعات مرتب شوند، قطعاً این رشته در رده نزدیک‌ترین رشته‌ها به فناوری اطلاعات قرار خواهد گرفت.

جستجوی وبگاه دانشگاه‌ها در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که دانشگاه‌های معتبر فراوانی در جهان وجود دارند که در آن‌ها گروه‌ها و یا دوره‌های تحصیلی با عنوان «علوم و فناوری اطلاعات» وجود دارد که حوزه‌های مطالعاتی آن‌ها همپوشانی زیادی با مفاهیم علم اطلاعات و علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دارد. این دانشکده‌ها، گروه‌ها و یا رشته‌ها به‌طور کلی با عنوان Information Science and Technology و یا به اختصار IST شناخته می‌شوند و برای نمونه در دانشگاه‌های ایالتی پنسیلوانیا، میسوری، نبراسکا و روچستر<sup>۲</sup> در آمریکا، هکایدو<sup>۴</sup> و توکیو<sup>۵</sup> در ژاپن و چنگدو<sup>۶</sup> در چین دانشکده‌ها و رشته‌های IST دیده می‌شوند. به عنوان یکی از معروف‌ترین و اثرگذارترین انجمن‌های حوزه اطلاعات، «انجمن علوم و فناوری اطلاعات آمریکا» را می‌توان نام برد که از سال ۱۹۳۷ فعالیت خود را آغاز نموده و در هفتاد و پنج سال گذشته، نقش مهمی در توسعه خدمات اطلاع‌رسانی داشته است. این

۱ [www. http://ist.psu.edu](http://ist.psu.edu)

۲ [www. http://ist.mst.edu/academicprograms](http://ist.mst.edu/academicprograms)

۳ [www. http://www.ist.rit.edu](http://www.ist.rit.edu)

۴ <http://www.ist.hokudai.ac.jp/eng>

۵ [http://www.i-u-tokyo.ac.jp/index\\_e.shtml](http://www.i-u-tokyo.ac.jp/index_e.shtml)

۶ <http://www.cdu.edu.cn/cdueng/faculty/information-science-technology.htm>

۷ <http://www.asis.org>





## پریا هم کتابداری بخواند؟

■ امیرحسین رجب‌زاده عصارها<sup>۱</sup>

نمی‌دانم به خاطر حضور من بود یا پریا اتفاقی حرف انتخاب رشته را پیش کشید. انسانی می‌خواند، پیش‌دانشگاهی. گفت که معلم تاریخ‌شان گفته که کتابداری رشته‌ی خوبی است و کتابدارها خیلی چیزها بلدند. تنها توصیفی که از کتابداری کرد همین بود. منتظر بود درباره‌ی رشته‌ای که کارشناسی ارشدش را دارم، حرفی بزنم، نصیحتی، پیشنهادی، چیزی. بیش‌تر مواقع از اساتید رشته می‌پرسیم که آیا دوست دارند که فرزندشان کتابداری بخواند یا نه، و بیش‌تر آن‌ها در گفتن بله، درنگ نمی‌کنند. البته بعضی‌ها بله را قوی‌تر می‌گویند، همراه با یک تأکید: «حتماً»، «مطمئناً» و ... اما راستش من آن‌قدرها در گفتن بله به کتابدار شدن دوست‌ها و آشنایان کنکوری، بی‌تردید نیستم. دلایل زیادی دارد. احتمالاً اولین دلیل‌اش این است که معتقدم تکلیف کتابداری به عنوان رشته‌ای دانشگاهی به‌ویژه در ایران چندان با خودش مشخص نیست. اگر بخواهم روشن‌تر بگویم، باید این‌گونه بیان کنم که تعریف دقیق و مشخصی از کتابداری وجود ندارد؛ یک دانشجوی کتابداری تا مدت‌ها باید منتظر بماند تا استادی، کسی بگوید کتابداری چیست که معمولاً انتظار بیهوده‌ای است و از حرف اساتید چیز زیادی دست‌گیرش نمی‌شود. یا این که خودش برود دنبال فهمیدن این رشته، با خواندن و خواندن. آن‌هایی که می‌خوانند و می‌خوانند هم معمولاً به این جواب می‌رسند که نه در ایران، و نه در هیچ‌کجای دنیا، تعریف دقیقی از رشته‌ی کتابداری

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی

که مورد توافق همه یا دست کم، جمع قابل توجهی از صاحب‌نظران باشد یافت نمی‌شود و این به دلیل ماهیت بین رشته‌ای کتابداری است. سرانجام، تنها می‌توانند با این رشته و مزایا و البته کاستی‌های آن کنار بیایند. مثل کسی که با گذر زمان و قضا و قدر کنار می‌آید. البته همه این‌طور نیستند، هواداران دوآتشه‌ی کتابداری این نظر را ندارند. دومین دلیل، فکر کنم ماهیت رشته‌ی کتابداری در ایران است. کتابداری در ایران، شبیه بازاریابی برای کالایی است که خریدار ندارد. این بازاریابی هزینه‌ی هنگفتی را می‌طلبد و جالب این که به دلیل بومی‌ساخته نبودن قسمت‌های حساسی از این علم و فن، در آن‌جایی هم که هزینه صورت می‌گیرد بازده چشم‌گیری مشاهده نمی‌شود. البته هم نباید انتظار شکوفایی کوتاه‌مدت از مقولات فرهنگی داشت. سومین دلیل، برمی‌گردد به نام رشته. کسی که کتابداری می‌خواند دائماً باید در جنگ باشد. کسی که کتابداری می‌خواند باید دائماً وقتی نام رشته را برای کسی بازگو می‌کند، خودش را برای یک جدل واقعی آماده کند. کسی که کتابداری می‌خواند باید به اندازه‌ی کافی جنگ‌جو باشد. باید چالش طلب باشد. در نظام آموزشی ما چه کسی چالش طلب بار می‌آید؟ روحیه‌ی چالش‌طلبی کدام دانش‌آموز در صورت داشتن روحیه‌ی چالش‌طلبی ذاتی حفظ می‌شود؟ دلیل چهارم، بازار کار و جایگاه اجتماعی کتابداران در جامعه است. جایگاه اجتماعی کتابداران در کنار جایگاه سازمانی آن‌ها، و بازار کار چالش‌دیگری است که قبل از ورود به رشته و در نهایت حرفه‌ی کتابداری باید دست کم، با آن آشنایی پیدا کرد. ما غیر از کتابخانه‌ها در کجا قادر به انجام وظیفه‌ایم؟ با این آموزش‌های (به‌معنای دقیق کلمه) نصفه و نیمه‌ای که دیده‌ایم، برای کار در کجای سازمان‌های کنونی در کشور آماده شده‌ایم؟ مهارت مدیر بودن را کسب کرده‌ایم؟ مهارت برنامه‌ریزی را داریم؟ مهارت رایانه‌ای مان کافی است؟ یا اجالتاً در ابتدای کار تنها قادر به انجام کارهای یدی و تکراری هستیم؟ احساس مختصص بودن داریم؟ با تمام این حرف‌ها و چندین و چند چالش دیگر در آموزش و حرفه‌ی کتابداری، من با تمام وجود دوست دارم مهارت‌هایم در جایی به کار گرفته‌شود و صادقانه تلاش می‌کنم با آموخته‌هایم، به‌صورت کاملاً عملی، گره‌ای از گره‌های حوزه‌ی فرهنگی کشورم باز کنم و این هدف را پیش روی خودم گذاشته‌ام. پریا منتظر پاسخ بود. اما تا این تفکرات را از سر بگذرانم و پاسخ‌اش را بدهم، افراد دیگری که در این جمع خانوادگی حضور دارند، رشته‌های دیگری را پیشنهاد کرده‌اند: حسابداری در صدر، روانشناسی و حقوق به عنوان ایده‌آلی دست‌نیافتنی و در کنار آن، مباحث جدیدی مثل آینده‌پژوهی که اصلاً کسی مطمئن نبود دوره‌ی کارشناسی دارد یا نه. پریا برای‌شان توضیح می‌دهد که هدف‌اش از عنوان کردن رشته‌ی کتابداری این بوده است که معلم‌شان معتقد بوده با کارشناسی کتابداری می‌تواند در یک سازمان دولتی مربوط به حوزه‌ی



می‌کنند. در یک لحظه‌ی کوتاه که سکوتِ جمعِ مجالی برای صحبت کردن در اختیارم می‌گذارد رو می‌کنم به پریا و در همان حال که به خودم یادآوری می‌کنم باید در مورد بازار کار آن هم برای خانم‌ها در رشته‌ی کتابداری توضیحات روشنی در اختیار پریا قرار دهم، می‌گویم: «ول کن این رشته‌های دَرِ پیّت! بیا کتابداری بخون!»

صنایع دستی کار پیدا کند. جریان از این قرار است که پریا به حوزه‌ی صنایع دستی و فرهنگی علاقه دارد و به‌خاطر این راهنمایی معلم‌اش به رشته کتابداری در کنار هتل‌داری و تاریخ فکر می‌کند. یکی از حاضرین در جمع رو می‌کند به من: «راستی شنیدم اسم رشته‌تون شده مهندسی نمی‌دونم چی چی.» توضیح می‌دهم که این نام، مربوط می‌شود به دروغ سیزده کتابدارها که بقیه باور کرده‌اند، اما تغییر نام در دستور کار اساتید ما هست. باز هم بحث را عوض می‌کنند و رشته‌های دیگری را پیشنهاد







# آرشیوسازی پیامک ها در عصر الکترونیک: نقش استانداردهای آرشیوی

دکتر امیررضا اصنافی<sup>۱</sup>

به طور کلی، استانداردها به واسطه تهیه نقاط دسترسی بیش تر، امکان یافتن و بهره برداری از منابع را افزایش می دهند. عدم استفاده از استاندارد، موجب پیدایش اختلال در توصیف اسناد می شود. زرین کلکی (۱۳۸۶)، ۹۸) برای استانداردهای آرشیوی سه ویژگی را برمی شمرد. نخست این که، استاندارد، سبب می شود توافق حرفه ای در خصوص فعالیت بهینه ایجاد شود. چنانچه استاندارد بین کسانی که باید آن را به کار گیرند، پذیرفته شود از اعتبار بالایی برخوردار خواهد شد. ویژگی دوم این است که استاندارد، امکان تبادل اطلاعات را فراهم می سازد. به این معنی که برخی استانداردها به کنترل و هدایت ساختار و درون مایه اطلاعات استخراج شده از مجموعه های آرشیوی می پردازند. برخی دیگر از استانداردها امکان ایجاد سازگاری هنگام برقراری ارتباط در میان اطلاعات آرشیوی مؤسسات را فراهم می کنند. ویژگی سوم، مبین این است که استاندارد از شیوه های جدید در مقابل اصول کهنه بهره می گیرد. یعنی این که استاندارد امکان انتقال اطلاعات قدیمی را به شکل های جدید فراهم می کند. به نظر می رسد با گسترش هرچه بیش تر علم، فناوری و به دنبال آن صنایع مختلف و پیدایش نیازهای مختلف جامعه بشری، نیاز به وجود

استانداردها بیش از پیش احساس می شود. در حقیقت، باید بیان داشت که استانداردهای آرشیوی، پاسخی به نیازهای اعضای جامعه است. این قضیه به خصوص از اواخر قرن بیستم و با توسعه شبکه ها و نیز فناوری های مختلف اطلاعاتی بیشتر نمود پیدا کرده است و جنبه بین المللی به خود گرفته است. در همه حوزه ها متخصصان دریافته اند که وجود استانداردهای جهانی، راه حلی جهت برطرف ساختن مشکلات فنی موجود در یک زمینه خاص است. بنابراین، وجود استاندارد در یک نظام، تعامل بین فرستنده و گیرنده را تسهیل خواهد بخشید. در بحث تبادل اطلاعات نیز این قضیه نمود دارد و فرض بر این است که یک فرستنده و یک گیرنده پیام مجموعه ای از استانداردهای ارتباطی را استفاده می کنند. پس می توان بیان داشت که استانداردهای آرشیوی در هر زمینه ای، راحتی اعضای هر حوزه را در پی خواهد داشت.

از اوایل دهه ۱۹۳۰ تلاش های فراوانی جهت تهیه فهرست های راهنمای استاندارد برای منابع آرشیوی صورت گرفت. در ایالات متحده، بیشتر روی پیشینه های تاریخی سرمایه گذاری شد. در اواخر دهه ۱۹۵۰، تلاش های نظام مند بیش تری صورت گرفت تا استانداردهایی جهت توصیف منابع آرشیوی تهیه شود. نتیجه این تلاش ها منتج به ایجاد فهرست مشترک ملی از مجموعه های نسخ خطی<sup>۲</sup> شد. به دنبال آن در سال ۱۹۶۱ انتشارات هامر، راهنمای آرشیوها و نسخ خطی در ایالات متحده<sup>۳</sup> را منتشر نمود که جهت شناسایی و مکان یابی مجموعه های نسخ خطی مورد استفاده آرشیویست ها و سپردنگاه های بسیاری در آن مشارکت داشتند. این منابع را سال ها آرشیویست ها مورد استفاده قرار دادند. آرشیویست ها طی سالها استانداردهای متعددی را مورد استفاده قرار داده اند و حتی در این میان، از استانداردهای فراداده که فصل مشترک بین آرشیوها و کتابخانه ها هم هستند بهره بردند. قبل از استانداردهای آرشیوی توصیف آرشیوی در سطح بین المللی، هر کشوری به صورت مستقل نسبت به توصیف مجموعه های خود اقدام می کرد. به ویژه این که آرشیویست های امریکا، کانادا و انگلستان، از استانداردهای خاص خود استفاده می کردند که البته همین امر باعث پیدایش استانداردهای بین المللی شد.

یکی از چالش هایی که آرشیویست ها در عصر حاضر با آن مواجه هستند، آرشیو کردن پیام های متنی یا پیامک های تلفن های همراه است. یعنی این که، چطور می توان این پیامک ها را که به عنوان اسناد الکترونیک در نظر گرفته می شوند، مستند و آرشیو نمود.

هر چند طی سال های اخیر، ارسال پیام های متنی از تلفن همراه دچار تغییر و تحولات شده، اما هنوز به عنوان وسیله ارتباطی و مکاتباتی مورد استفاده قرار می گیرد. از آنجایی که ما سایر مکاتبات متنی خود را نظیر



نامه‌های معمولی و پست‌های الکترونیکی ذخیره می‌کنیم و برای آن‌ها ارزش قائل هستیم، این امر که احتمالاً تمایل داشته باشیم برخی پیام‌های متنی تلفن‌های همراه خود را نیز ذخیره کنیم، طبیعی به نظر می‌رسد. لیکن مشکل در آن‌جاست که ذخیره‌سازی پیام‌های متنی بیرون از یک تلفن همراه، کاملاً راحت و آسان نیست.

تلفن‌های همراه، را می‌توان در یک دسته‌بندی کلی، به دو نوع تقسیم کرد: ساده و هوشمند. هر دو نوع تلفن می‌توانند متن، کتابچه تلفن و سایر اطلاعات مورد نیاز را روی یک درایو یا یک سیم کارت قابل جدا شدن، ذخیره کنند. اگر بخواهید پیام‌های متنی یا پیامک‌ها را ذخیره نمایید، باید گوشی را خاموش کرده و از یک وسیله ذخیره اطلاعات که با دستگاه دیجیتال شخصی شما سازگاری دارد برای نگهداری اطلاعات آن بهره بگیرید.

ذخیره‌سازی پیام‌های متنی، برای تلفن‌های ساده، دشوارتر است. شما باید در گوشی را باز کرده، سیم کارت آن را خارج نمایید و محتوای سیم کارت را از طریق یک دستگاه سیم کارت‌خوان، مشاهده نمایید. یک دستگاه سیم کارت‌خوان، ابزار ارزان قیمتی است که می‌توانید سیم کارت خود را در آن قرار دهید، سپس دستگاه را به خروجی یو.اس.بی. رایانه شخصی خود وصل نمایید تا محتوای سیم کارت نمایش داده شود و بتوانید پیام‌های متنی را از روی آن کپی کنید. گاهی هم ناچار می‌شوید که پیامک‌ها را روی گوشی خود نگهدارید تا به عنوان یک سند آرشیوی از آن بهره بگیرید. اما تا چه زمانی چنین امری میسر خواهد بود؟ اگر به هر دلیلی، برای تلفن همراه، مشکلاتی از قبیل آسیب خوردن در اثر اصابت به زمین، سرعت و اختلالات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری رخ بدهد با پیام‌های متنی موجود در گوشی باید چه کرد؟

از سوی دیگر، تلفن‌های هوشمند، امکان مدیریت بهینه پیام‌های متنی را در سطح بالاتری فراهم می‌سازند. شما می‌توانید فایل‌های مورد نظر خود را از طریق کابل، روی رایانه منتقل کنید یا این که نسبت به انتقال آن‌ها از طریق بلوتوث اقدام نمایید یا اینکه از طریق اینترنت بی‌سیم، آن‌ها را به رایانه‌های (همان پست الکترونیک) شخصی خود یا افرادی که امین شما هستند ارسال کنید. در واقع می‌توان گفت در حوزه استانداردسازی مستند کردن اسناد الکترونیکی خاص نظیر پیامک‌ها، هنوز خلاء و کمبود وجود دارد. فعلاً به نظر می‌رسد کاری که برای پیامک‌های رسیده و مبادله شده می‌توان انجام داد بهره‌گیری از نرم‌افزارهای ویژه انتقال داده به روی نوت‌بوک یا رایانه شخصی است تا بتوان نسبت به ذخیره، دسترسی و مشاهده پیام‌ها اقدام نمود.

مدتی است در گروه بحثی عضو هستم که متعلق به حوزه آرشیو است. سؤالی را در آنجا مطرح کردم که آیا در خصوص مدیریت اسناد الکترونیکی خاص نظیر پیامک‌ها یا پست الکترونیک، در حوزه

آرشیو استاندارد خاصی وجود دارد؟ اما فقط در چند مورد درباره پست الکترونیک نظراتی مطرح شد و گویا هنوز در زمینه پیامک استاندارد ویژه‌ای تدوین نشده است. به نظر می‌رسد در حال حاضر، که رویکردها نسبت به آرشیو که آن را یک مکان کهنه و گرد و خاک گرفته می‌دانستند، تغییر یافته، نقش فناوری‌های اطلاعاتی در آن پررنگ و زمینه مساعدی برای حرکت به سوی استانداردسازی و مدیریت اسناد الکترونیکی فراهم شده است و آرشیویست‌ها نیز در تدارک تهیه و تدوین استانداردهای جدید هستند تا با تغییرات روز هم گام باشند. امید می‌رود که آرشیویست‌های داخل کشور، به خصوص پس از آغاز دوره‌های کارشناسی ارشد مطالعات آرشیوی، بیش‌تر با هم تعامل داشته باشند و آن‌ها نیز بتوانند در تدوین استانداردهای بومی آرشیوی نقش اساسی ایفا کنند.

فهرست منابع:

- زرین کلکی، بهناز (۱۳۸۶). استاندارد و نقش آن در تنظیم و توصیف اسناد. **گنجینه اسناد**. شماره ۶۶. تابستان: ۹۸-۱۰۶.
- زرین کلکی، بهناز (۱۳۸۸). **ساماندهی اسناد الکترونیکی از مبدأ**. ارائه شده در کارگاه آموزشی اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران. ۱۴ و ۱۵ مرداد. سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

Ashenfelder, Mike (2012). Archiving Cell Phone Text Messages. April 27th, Available in: <http://blogs.loc.gov/digitalpreservation/2012/04/archiving-cell-phone-text-messages/> Retrieved: 13 May 2012.



## اخبار انجمن برای خبرنامه

۱- برگزاری یازدهمین مجمع عمومی انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران در فروردین سال ۹۱: از برنامه‌های مجمع این دوره سخنرانی آقای علی‌اکبر اشعری، مدیر پروژه باغ کتاب تهران، با عنوان: باغ کتاب و توسعه فرهنگ کتابخوانی، رونمایی از کتاب اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی با حضور آقای دکتر احد فرامرز قراملکی، استاد دانشگاه تهران، ارائه گزارش عملکرد انجمن و شاخه‌های استانی توسط آقای دکتر سعید رضایی شریف‌آبادی، رئیس انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران، پخش نماهنگ فعالیت سال ۱۳۹۰ انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران، ارائه گزارش مالی توسط آقای سید کاظم حافظیان رضوی خزانه‌دار انجمن، ارائه گزارش بازرسی توسط آقای دکتر افشین موسوی چلک، و تقدیر از بازنشستگان، حامیان و همکاران انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران در سال ۱۳۹۰ بوده است. از برنامه‌های ویژه مجمع ۹۰ سخنرانی دکتر عباس حری در مورد نام رشته بود. از اهم بیانات ایشان این که علم اطلاعات را برای رشته پیشنهاد کردند به دلیل آن که علم اطلاعات دو زیرشاخه نظری و عملی یعنی اطلاع‌رسانی و اطلاع‌شناسی را در برمی‌گیرد.

۲- برگزاری سیزده جلسه مشترک کمیته‌های انجمن در پژوهشگاه علوم و فناوری ایران. مباحثی که در دستورکار این سیزده جلسه بود بحث در مورد برنامه‌های فصلی انجمن در هر جلسه، گزارش پیشرفت در مورد همایش ملی انجمن با عنوان هر کتابخانه یک رصدخانه، گزارش پیشرفت پژوهش ملی در مورد ترسیم نقشه علمی پایان‌نامه‌های حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، گزارش پیشرفت از ایجاد و توسعه پایگاه اطلاعاتی اعضای هیات علمی و گروه‌های کتابداری در وب سایت انجمن، دستنامه ارزیابی پایان‌نامه‌ها، و وبسایت انجمن بوده است.

۳- امضای تفاهم‌نامه با انجمن فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) و سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران از دیگر فعالیت‌های انجمن در بهار ۱۳۹۱ بود. بر اساس این تفاهم‌نامه، دو انجمن توافق نمودند تا برنامه‌ها و نشست‌های مشترکی را در حوزه‌های مورد علاقه مشترک برگزار کنند.

۴- نتایج یک نظرسنجی بر روی وبگاه انجمن علمی کتابداری و اطلاع‌رسانی نشان داد که «علم اطلاعات و دانش‌شناسی» محبوب‌ترین نام از نظر بازدیدکنندگان این وبگاه است. این نظرسنجی به مدت یک ماه در اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۱ صورت گرفت و در مجموع ۴۸۸ نفر در آن شرکت کردند. پس از «علم اطلاعات و دانش‌شناسی» که با ۱۷۸ رأی (۳۶٫۵ درصد) پرطرفدارترین نام شناخته شد، علم اطلاعات و کتابداری در جای دوم قرار گرفت. البته در این نظرسنجی تنها سه عنوان برای رشته پیشنهاد شده بود.



فرم الکترونیکی درخواست عضویت در انجمن کتابداری و اطلاع رسانی ایران

این قسمت توسط دفتر انجمن تکمیل می شود.

تأیید کننده:	تاریخ ثبت در سیستم:	شماره عضویت:
نام خانوادگی:	نام:	نام پدر:
شماره شناسنامه:	محل صدور:	شماره ملی:
تاریخ تولد:	محل تولد:	
وضعیت تحصیلی:		
مقطع تحصیلی:	نوع عضویت: (ارسال تصویر اسکن شده مدارک الزامیست)	حق عضویت (ریال):
<input type="checkbox"/> دکترا و بالاتر	پیوسته	۲۰۰۰۰۰ ریال
<input type="checkbox"/> دانشجوی دکترا	پیوسته	۲۰۰۰۰۰ ریال
<input type="checkbox"/> کارشناس ارشد	پیوسته	۱۰۰۰۰۰ ریال
<input type="checkbox"/> دانشجوی کارشناسی ارشد	پیوسته	۸۰۰۰۰ ریال
<input type="checkbox"/> کارشناس	وابسته	۶۰۰۰۰ ریال
<input type="checkbox"/> دانشجوی کارشناسی	دانشجویی	۴۰۰۰۰ ریال
<input type="checkbox"/> دیپلم	وابسته	۴۰۰۰۰ ریال
شماره حساب جهت پرداخت حق عضویت: حساب جاری شماره ۳۰۶۰۴۸۸۸۰ بانک تجارت شعبه اکو (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک تجارت)		
سابقه کار در زمینه کتابداری و اطلاع رسانی: سال شغل و سمت فعلی:		
نشانی و تلفن منزل: نشانی و تلفن محل کار (ذکر استان و نام مؤسسه الزامی است): نشانی پست الکترونیکی:		
<input type="checkbox"/> آموزش	زمینه های همکاری با انجمن:	<input type="checkbox"/> همایش ها
<input type="checkbox"/> پژوهشی		<input type="checkbox"/> روابط عمومی
<input type="checkbox"/> انتشارات		<input type="checkbox"/> همکاری پاره وقت با دفتر انجمن
سایر موارد (لطفاً نام ببرید):		

تاریخ: امضاء: نشانی:

صندوق پستی: نامبر: پست الکترونیکی: وبسایت:

خواهشمند است جهت صدور کارت عضویت، یک قطعه عکس پرسنلی رنگی ۳×۴ را اسکن نموده و به همراه فیش اسکن شده، تصویر اسکن شده مدرک تحصیلی و فرم الکترونیکی عضویت به آدرس پست الکترونیکی انجمن [libraryassociation@yahoo.com](mailto:libraryassociation@yahoo.com) بفرستید.





تنها نرم افزار یکپارچه کتابخانه الکترونیک و دیجیتال استاندارد کشور



با امکان هوشمندسازی کتابخانه‌ها ( RFID )



[www.parslib.com](http://www.parslib.com)

ایران  
کتابخانه‌ها

RFID

فناوری  
کتابخانه  
ساز  
پیاوه

